



تحلیل زیبایی‌های لفظی و معنوی تشبیه همسران به لباس در آیه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷)

سیدضیاءالدین علیان‌سب^۱

چکیده

قرآن کریم، کتاب الهی برای هدایت انسان است و از شیوه‌های متفاوت بیانی برای این امر استفاده کرده است. تعبیر دقیق و جذاب «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» در انتقال این مفاهیم و مقاصد سخن، دارای قابلیت فوق‌العاده و مشتمل بر زیبایی‌های لفظی و معنوی است. با نظر به اهمیت بحث از زیبایی‌های لفظی و معنوی آیات قرآن کریم، این مقاله با هدف تحلیل زیبایی‌شناختی تشبیه همسران به لباس و دیدگاه عالمان و مفسران اسلامی، به کشف و تحلیل زیبایی‌های لفظی و معنوی این تعبیر پرداخته و محسنات لفظی آیه را با استفاده از این تمثیل قرآنی در قالب نکات ادبی - بلاغی نظیر تشبیه، استعاره، کنایه، ایجاز و آرایه عکس، بیان کرده است. نیز از بعد معنوی، نکات اخلاقی، تربیتی و رفتاری مانند اصول انتخاب همسر، چگونگی روابط زوجین و کارکرد روابط شایسته همچون آرامش‌بخشی متقابل، زینت‌گری و آراستگی، همزیستی محبت‌آمیز و معاشرت نیکو، پیوند و اتحاد بین همسران را استخراج کرده است.

واژگان کلیدی: زیبایی لفظی، زیبایی معنوی، ارتباط زوجین، هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ، أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ، آیه ۱۸۷ بقره.

مقدمه

قرآن به منظور هدایت و تأمین سعادت انسان، برخی از دستورات راه‌گشای خود را با زبان تمثیل و در قالب‌های مختلف صنایع بلاغی و زیبا بیان کرده تا دستورات آن همگون با لطایف معنوی درک شود. به عبارت دیگر، از آن رو که انسان در عالم ماده و محسوسات زندگی می‌کند و همواره با امور ملموس، سروکار دارد، درک امور حسی ساده‌تر از مفاهیم عقلی و معنوی است، خدای متعال برای بیان معارف الهی و نهادینه‌سازی مسائل و مفاهیم تربیتی و اخلاقی، از صنایع بلاغت مثل تشبیه، استعاره و... استفاده کرده است. امور معنوی را برای فهم همه انسان‌ها به امور ملموس و حسی، تشبیه و ترقیق نموده و دستورات عالی را در قالب‌های لطیف هنری ارائه کرده است.

در این راستا، زوجین با تعبیر تمثیلی «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» به عنوان مهم‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده خانواده در پرتو رعایت اصول و معیارهای اسلامی و آموزه‌های قرآنی در ایجاد یک خانواده مستحکم، نقش اولیه و مؤثر دارند.

تمثیل نسبت لباس برای رابطه همسران، تصویرگر منطق و فلسفه زندگی مشترک و مبنای بسیاری از احکام و حقوق خانواده از قبیل ضرورت همسرگزینی و تشکیل خانواده و رفتار با همسر است که با تأمل در جنبه‌های زیبایی شناسانه لفظی و معنوی این تعبیر قرآنی، کلیاتی از فضائل انسانی، آموزه‌های اخلاقی و حقوقی در مورد اصول همسرگزینی و روابط همسران قابل استنباط است.

با توجه به اهمیت ازدواج و تعلیم رابطه شایسته زن و شوهر، بررسی مفهوم لباس بودن زن و شوهر نسبت به یکدیگر از مباحث مهم در تبیین رابطه همسران و سبک زندگی عقلانی و انسانی است. معرفی زن و شوهر در این آیه به عنوان لباس یکدیگر، در حقیقت اشاره ظریفی به کیفیت و نوع تعامل، روابط و جایگاه همسران در قبال یکدیگر دارد؛ به عبارت دیگر این تعبیر از زن و شوهر، کارکردهای بسیاری در استحکام روابط زوجین و به تبع آن، استحکام خانواده دارد که در ابعاد مختلفی قابل بررسی است. پژوهش حاضر درصدد بیان ابعاد مختلف این کارکردها در قالب نکات ادبی و بلاغی، به اصول و معیارهای تربیتی و اخلاقی انتخاب همسر و روابط آنها بر مبنای این تعبیر قرآنی است.

در خصوص پیشینه این بحث می‌توان گفت اکثر تفاسیر قرآن کریم به نوعی در صدد بیان مراد خدای متعال از این آیه برآمده‌اند. به ویژه تفاسیر ادبی که در مقام تجزیه و ترکیب و تبیین نکات صرفی، نحوی بوده‌اند. برخی از تفاسیر نیز به صورت موجز، مبحث تشبیه در آیه را بیان کرده‌اند. تنها یک مقاله با عنوان «بررسی مفهوم لباس بودن زن و شوهر در آیه ۱۸۷ سوره بقره» از حذیف عثمان منتشر شده که فقط مفهوم لباس بودن را کاویده، آثار این تشبیه در زندگی مشترک را روشن ساخته است.

جهت روشن شدن فضای نزول آیه، رجوع به منابع نقلی نشان می‌دهد برای این آیه سبب‌های نزول مختلفی بیان شده است؛ از جمله اینکه:

در مرحله نخست آیه «كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ» (بقره/۱۸۷) بدون ذکر جمله «من الفجر» بوده، لذا مردم در هنگام سحر دو نخ سفید و سیاهی روی دو پای خود می‌نهادند و می‌خوردند و می‌آشامیدند تا زمانی که آن دو نخ سفید و سیاه را بتوانند مشاهده کنند، لکن وقتی که آیه «من الفجر» نازل گردید، معلوم شد منظور از خیط اسود و خیط ابيض نخ سفید و سیاه نیست؛ بلکه منظور از آن روز و شب است. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۴۰۵ / ۱)

یکی از احکام روزه در صدر اسلام، آن بود که مفطراتی مانند: خوردن و آشامیدن و آمیزش با همسر از هنگام افطار در شب‌های ماه رمضان جایز بود، اما چون نماز عشاء برپا می‌شد یا به خواب رفتند، سپس بیدار می‌شدند باز اقدام بر این امور ممنوع بود. (رازی، ۱۴۲۰: ۵ / ۲۶۷) برخی از روایات دلالت دارد آمیزش با همسر در روز و شب ماه رمضان به طور کلی ممنوع بود. (قمی، ۱۳۶۷: ۶۷ / ۱) گروهی از مسلمانان به رغم این ممنوعیت، شبها به آمیزش با همسر اقدام می‌کردند. آنها با شرمندگی این جریان را به اطلاع پیامبر (ص) رساندند. صاحب روض الجنان بیان می‌کند:

«در ابتدای امر، در اوقات رمضان، وقتی که افطار می‌کردند تا وقت نماز عشاء در باره خوردن و آشامیدن و نزدیکی با زنان مجاز بودند؛ پس از آن تا شب دیگر خوردن و آشامیدن و نزدیکی با زنان حرام می‌گردید و نیز اگر کسی می‌خواهید بعد از افطار، پس از بیدار شدن به خوردن و آشامیدن و نزدیکی با زنان تا شب

بعد مجاز نمی‌بود. تا این که شبی عمر بن خطاب بعد از خواب با زوجه خویش نزدیکی نمود و سخت پشیمان گشت و بامداد نزد رسول خدا (ص) آمد و قصه خویش را گفت. پیامبر فرمود: خطا کردی! سایرین از صحابه که نشسته بودند، گفتند: یا رسول الله! برای ما نیز چنین پیش آمدی کرده؛ ولی ما از ذکر آن شرم می‌داشتیم. آیا از برای این کار مجاز می‌باشیم یا نه؟ پیامبر فرمود: اجازه این کار با خداوند است. سپس این آیه نازل گردید. «(رازی، ۱۴۲۰: ۵/۲۶۷)

از سوی دیگر، یکی از یاران آن حضرت، خوآت بن جبیر انصاری که در حفر خندق شرکت داشت، هنگام افطار به علت آماده نبودن غذا خوابش برد، وقتی بیدار شد غذایی نخورد و فردا را نیز روزه گرفت و به کندن خندق ادامه داد، اما به علت ضعف شدید بیهوش گردید و این آیه نازل شد. (کلینی، ۱۴۲۹: ۷/۴۰۷)

بنابراین با نزول آیه، ممنوعیت‌های مذکور برداشته شد، غذا خوردن و آشامیدن تا طلوع فجر و نیز آمیزش با همسر در شب‌های ماه رمضان مجاز گردید. و نیز بیان شده است که بعضی از مردم در هنگام اعتکاف از مسجد بیرون آمده در منزل با زنان خویش نزدیکی می‌نمودند. سپس دوباره به اعتکاف بر می‌خواستند تا این که آیه «ولاتباشروهن» نازل شد. (طبری، ۱۴۱۲ق: ۲/۱۰۵)

بیان تمثیلی بخش نخست آیه «أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ در شب روزه داری، همبستری با زانتان بر شما حلال گردیده است؛ آنان لباسی برای شما و شما لباسی برای آنان هستید. (بقره/ ۱۸۷)» مبتنی بر جنبه‌های لفظی (نکات ادبی و صنایع بلاغی) و معنوی (اخلاقی، تربیتی) است که واژه لباس آن را حمل می‌کند. بنابراین در این پژوهش ابتدا مفهوم لغوی و کاربردهای قرآنی واژه لباس و بعد از آن جنبه‌های لفظی (نکات ادبی و بلاغی) و سپس جنبه‌های معنوی (اصول ازدواج، نکات اخلاقی، تربیتی) آن بررسی می‌شود.

مفهوم‌شناسی واژه لباس

لباس در لغت به معنای وسیله پوشش جسم (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲/۲۶۲) دارای اصل واحد به معنای مخالطه و مداخله (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۲۳۰) و در اصطلاح قرآنی نیز به همان معنای معروف جامه و پوشش است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۴۴)

ماده «لبس» و مشتقات آن در ثلاثی مجرد دو گونه به کار رفته است:

الف) این ماده گاهی از باب «فَعَلَ - يَفْعَلُ» (بر وزن عَلِمَ، يَعْلَمُ) به کار رفته که مصدر آن «لَبَسَ» به معنای پوشیدن است. همین ماده در ابواب ثلاثی مزید نیز مانند: «الْبَسَةُ الثَّوْبُ؛ او را لباس پوشانید» به کار رفته است.

ب) گاهی نیز از باب «فَعَلَ، يَفْعَلُ» (بر وزن ضَرَبَ يَضْرِبُ) به کار رفته که مصدر آن «لَبَسَ» به معنای خلط نمودن و آمیختن است. همین ماده در ابواب ثلاثی مزید مانند: «إِلْتَبَسَ عَلَيَّ الْأَمْرُ؛ امر بر من مشکل و مشتبه شد» به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶/۲۰۲)

برخی از لغت‌شناسان، لوازم ستر و پوشاندن را در هم آمیختن و مشتبه ساختن (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵/۲۳۱) استمتاع و بهره‌مندی، همزیستی، معاشرت و همنشینی و تحمل و پذیرش (زمخشری، ۱۹۷۹: ۵۵۷) زره و هر وسیله دفاعی (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷/۲۶۳) دانسته‌اند.

کاربرد لباس در قرآن کریم

در قرآن کریم لباس براساس دو وزن فعلی و اسمی به کار رفته است که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

۱. بر اساس وزن فعلی

الف. گاهی ماده «لبس» از باب «فَعَلَ، يَفْعَلُ» به کار رفته و از آن معنای پوشیدن اراده شده است. همچون «و یلبسون ثیاباً خُضراً؛ و لباس‌هایی سبز، از حریر نازک و ضخیم، می‌پوشند» (کهف/۳۱)

ب. گاهی از باب «فَعَلَ، يَفْعَلُ» به کار رفته و معنای آمیختن و مشتبه ساختن اراده شده،

همانند: «وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ؛ و ایمانشان را با ستم (شرک) نیامیختند.» (انعام/۸۲)
 اهل لغت از جمله ابن منظور و فیومی نیز به دو معنای پوشش و آمیختن و مشتبه ساختن
 در ثلاثی مجرد اشاره کرده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶/۲۰۲؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۳/۵۴۸)

۲. بر اساس وزن اسمی

الف. لباس مادی دنیوی که بدن آدمی و زشتی‌های آن را می‌پوشاند و نوعی زینت به شمار
 می‌آید؛ مانند: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُم لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيَسًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكِ
 خَيْرٌ» (اعراف/۲۶)

ب. لباس‌های نخستین حضرت آدم و حوا که پوششی فراگیر و طبیعی از جنس ناخن
 یا نور و نوعی تن‌پوش بهشتی بود. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۳؛ طوسی، بی‌تا: ۳۸۱/۴) «يَا بَنِي
 آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا».
 (اعراف/۲۷)

ج. صفات نفسانی و حالات معنوی مانند تقوا که انسان را فراگرفته باشد. «لِبَاسُ التَّقْوَى
 ذَلِكَ خَيْرٌ» (اعراف/۲۶)

د. گرسنگی و ناامنی فراگیر که گروهی از ناسپاسان را همچون پوششی از هر سو احاطه
 نمود. «فَأَذَافَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/۱۱۲)

ه. زن و شوهر که پوشش روانی، جنسی و اجتماعی یکدیگرند. «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ
 لَهُنَّ» (بقره/۱۸۷)

و. شب که پوششی ظلمانی است و همه موجودات روی زمین را فرا می‌گیرد. «وَ هُوَ الَّذِي
 جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَ النَّوْمَ سُبَاتًا وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا» (فرقان/۴۷)

ز. لباس اخروی بهشتیان «وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ» (فاطر/۳۳)

بنابراین، با بررسی مفهوم واژه لباس در قرآن کریم، تصدیق آن بر معانی مختلف (پوشش
 ظاهری و معنوی) مفهوم ستر و پوشش در همه موارد یادشده به عنوان هسته معنایی در
 نظرگرفته شده است.

در تمثیل «لباس» در این‌بخش از پژوهش، جنبه‌های لفظی (صنایع ادبی و نکات بلاغی) این تمثیل که بر رسایی، زیبایی و دلپذیری سخن افزوده است، بررسی می‌شود.

یک: جنبه‌های لفظی (صنایع ادبی و نکات بلاغی)

مفسران و اندیشمندان قرآنی، دیدگاه‌های متفاوتی در باره شیوه بیانی عبارت «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» ابراز داشته‌اند؛ از جمله:

۱. تشبیه

گروهی این عبارت را حاوی تشبیه بسیار زیبا و دقیق دانسته‌اند که در آن، زن و شوهر به لباس یکدیگر تشبیه شده‌اند؛ لباس از یک سو انسان را از سرما، گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می‌کند و از سوی دیگر عیوب او را می‌پوشاند و همچنین زینتی برای تن آدمی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹/۴۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۵۰/۱؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۹۳/۱) این تعبیر نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آن‌ها را به یکدیگر و نیز مساوات آن‌ها را در این زمینه کاملاً روشن می‌سازد؛ زیرا همان تعبیر که در باره مردان آمد، بدون هیچ تغییری در باره زنان هم آمده است. (مکارم شیرازی، همان) البته وجه شبه‌های دیگری از جمله؛ حفظ از رسوایی (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶: ۵۸/۲؛ قرائتی، همان) ناهنجاری‌های روحی و روانی (همان) جلوگیری از آلودگی و گناه (همان؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲/۲۵۲) و همبستگی و پیوستگی (همان؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۱/۱۶۶) نیز ذکر شده است.

۲. استعاره

برخی این تعبیر را نوعی استعاره می‌دانند که در آن، لباس همان معنای معروف را دارد؛ یعنی آن چه انسان با آن بدن را می‌پوشاند؛ زیرا هر یک از زن و مرد، دیگری را از دنبال شر رفتن و آن را شایع ساختن باز می‌دارد. پس هر یک برای دیگری لباسی است که با او ناپیدایی‌هایش را می‌پوشاند. (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۲/۲۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۴/۲) و وقار و عفاف برای یکدیگرند. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲/۷۲) و نیز استعاره از شدت اتصال به یکدیگر است. (ابن عاشور،

همان: ۱۷۹ / ۲) بر این اساس زن و مرد همچون لباس، زینت و حفاظ و مایه عفاف و وقار و متصل به یکدیگرند و بین آنان فاصله و خللی وجود ندارد.

بنابراین ظاهر آیه آن است که همسران به تن‌پوش همدیگر تشبیه شده‌اند و محققان چنین مواردی را تشبیه به شمار می‌آورند؛ زیرا تفاوت تشبیه و استعاره آن است که در تشبیه، مشبّه و مشبّه به در کلام ذکر می‌شود؛ ولی در استعاره یکی از این دو رکن محذوف است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۷/۱؛ ابن اثیر، ۱۴۲۰: ۳۴۴/۱) در آیه مورد بحث نیز مشبّه (همسران) و مشبّه به (لباس) هر دو مذکور است و باید آن را «تشبیه بلیغ» به شمار آورد؛ چون ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است و این برترین نوع تشبیه است. (تفتازانی، بی‌تا: ۱۵۲) زیرا از یک سو، حذف وجه شبه، عمومیت وجه شبه را می‌رساند و همسران را از هر جهت تن‌پوش یکدیگر ترسیم می‌کند و از سوی دیگر، با حذف ادات تشبیه، ادعا شده که همسران حقیقتاً جامه‌های فراگیر برای یکدیگرند، به گونه‌ای که آدمی بدون داشتن همسر، عریان و بی‌حفاظ و در معرض آسیب‌های فراوان جسمی، روانی، روحی و اجتماعی خواهد بود. از این رو، دو عامل فراگیری وجه شبه و تناسب تشبیه، توأمان بر بلاغت سخن افزوده است. در ضمن چنین تشبیهی از نوآوری‌های قرآن کریم به شمار می‌رود (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۸۰/۲) و از نوع تمثیل است. (شبر، ۱۴۱۲: ۶۷؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۶۶/۱) در تمثیل، معانی ذهنی و صفات نفسانی به صورت‌های حسی تشبیه می‌شوند تا مجسم و مشهود گردند. (معرفت، ۱۴۱۵: ۵/۳۵)

۳. کنایه

برخی این تعبیر را کنایه از ستر گرفته‌اند؛ زیرا زوجین نسبت به یکدیگر ستر هستند. (رضا، ۱۴۱۴: ۱۷۶/۲؛ طیب، ۱۳۶۹: ۳۴۰/۲) و برخی هم‌آغوشی همسران را کنایه از مسائل جنسی دانسته‌اند. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۴۰/۱؛ رازی، ۱۴۰۸: ۵۱/۳؛ صافی، ۱۴۱۸: ۳۸/۲؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۴۹/۴)

مقصود از کنایه آن است که معنای اراده شده، به صراحت ابراز نشود؛ بلکه لفظی که بر یکی از لوازم آن دلالت دارد، ذکر شود تا معنای مقصود رسانده شود. (مطلوب، ۱۴۱۴: ۵۶۸)

۴. ایجاز

ایجاز به معنای به کارگیری لفظ اندک و معنی بسیار است که اگر مخّل عبارت نباشد، دارای ارزش است. (فخرالدین، ۱۹۸۵: ۳۴۷؛ کاشفی، ۱۳۶۹: ۷۷) مانند همین عبارت آیه که از نظر ساختار لفظی در نهایت ایجاز است؛ زیرا هر یک از دو جمله‌اش، فقط از یک اسم ظاهر، دو ضمیر و یک حرف جرّ تشکیل شده و وجه شبه و ادات تشبیه نیز حذف گردیده است؛ اما از نظر محتوا، با توجه به لوازم معنای لباس و وجه شبه‌های متعددی که ذوق سلیم آنها را در می‌یابد، انبوهی از معانی را ایفا می‌نماید که در ساختار معنایی به آن پرداخته خواهد شد. افزون بر اینکه این تمثیل چهار تشبیه را ایفاء می‌نماید که دو مورد آن در عبارت با صراحت ذکر شده و دو مورد نیز از اشاره سخن استفاده می‌شود و بعد دیگری از ایجاز را نمایان می‌سازد؛ «هن لباس لکم» صراحت دارد به اینکه بانو به منزله تن‌پوش شوهر است و اشاره دارد به این مطلب که شوهر چون تن برای آن تن‌پوش است. «و أنتم لباس هن» نیز صراحت دارد به اینکه شوهر به منزله تن‌پوش برای بانو است و اشاره دارد به این مطلب که بانو چون تن برای آن تن‌پوش است. (ملکوتی خواه، ۱۳۹۵: ۳۱)

۵. آرایه عکس

مقصود از آرایه معنوی عکس در علم بدیع، سخنی است که یک جزء آن مقدم و جزء دیگر آن مؤخر باشد و در ادامه سخن، مؤخر را پیش بدارد و مقدم را عقب اندازد. (نفتازانی، ۱۳۷۴: ۲۶۹؛ سیوطی ۱۴۲۱: ۱۷۴/۲) به بیان دیگر با تغییر جای همه یا بعضی از کلمات یک قرینه، قرینه دیگری بسازند تا معنا نیز مبدل و وارونه گردد و بر رونق و حُسن کلام بیفزاید. (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۶۹) در همین تعبیر آیه نیز جایگاه ضمیر مؤنث و ضمیر مذکر در جمله اول، در ادامه کلام معکوس گردیده است.

دو: جنبه‌های معنوی

با کاوش در دیدگاه‌های مفسران در عبارت «هَنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» جنبه‌های معنوی تحت عنوان اصول و نکات اخلاقی و تربیتی به دست می‌آید که باعث تحکیم خانواده

و تقویت روابط همسران می‌شود و در ذیل به آن اشاره می‌شود.

نخست: اصول انتخاب همسر

از آنجا که قرآن، همسران را لباس یکدیگر دانسته، گزینش همسر را نیز به انتخاب لباس تشبیه کرده است و داوطلبان ازدواج را به این نکته رهنمون می‌سازد که اصولی را که در خرید لباس مورد توجه قرار می‌دهند، در انتخاب همسر نیز با دقت بیشتری در نظر بگیرند. این اصول عبارت است از:

۱. نیاز طبیعی انسان

نخستین موضوعی که از این تشبیه استفاده می‌شود، اصل نیاز طبیعی انسان به همسر است. همان طور که آدمی برای محفوظ ماندن از برودت و حرارت هوا، نیازمند وسیله پوششی به عنوان لباس است و این نیاز طبیعی و برخاسته از ویژگی‌های جسمانی اوست، برای در امان ماندن از بسیاری آسیب‌های جسمی، روانی، روحی و اجتماعی نیز نیازمند پوششی به نام همسر است. این احتیاج از مشخصات واقعی انسان است که از سوی آفریننده حکیم در او به ودیعت نهاده شد و همچون لباس که آرامش‌بخش و حافظ از آسیب‌هاست، هر یک از زن و مرد نیز مایه آرامش و محافظ دیگری به شمار آمده است. «وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.» (روم/۲۱) همسران از نظر عاطفی، روانی و غریزی، نیازمند و وابسته به همدیگرند و بسیاری از نیازهای مشروع یکدیگر را تأمین می‌کنند و از این رو برخی از مفسران، احتیاج شدید و نیاز مداوم همسران به یکدیگر را وجه شبه روشن این تشبیه دانسته‌اند. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۷۵/۱؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ۴۶۷/۱)

۲. اصل اختیار

از اصول تشکیل خانواده پایدار، آزادی زن و مرد در انتخاب همسر و تحمیل نکردن پیوند زناشویی بر آنها است که این نکته از تشبیه همسران به لباس در آیه قرآن استفاده می‌شود. همانطور که فرد در انتخاب لباس آزاد است و لباس دلخواه و مناسب تن و جان خود را در

چارچوب قوانین دینی و اجتماعی و مصالح خود و جامعه انتخاب می‌کند، در انتخاب همسر هم باید در قالب قوانین و مصالح، اختیار داشته باشد.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی بر موضوع اختیار در انتخاب همسر تصریح کرده و در پاسخ به ابن ابی‌یعفور که از آن حضرت پرسیده بود: می‌خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم فرد دیگری را در نظر گرفته‌اند فرمود: «تَزَوَّجِ الَّتِي هَوَيْتَ وَ دَعِ الَّتِي يَهْوَى أَبَوَاكَ؛ با زنی ازدواج کن که خود می‌خواهی و زنی را که پدر و مادرت می‌خواهند را رها کن.» (طوسی، ۱۳۷۶: ۳۹۲/۷) البته این توصیه به معنی نادیده گرفتن دیدگاه والدین و بی‌اعتنایی و بی‌احترامی به آنان نیست؛ بلکه فرزند لازم است نظرات آنان را به عنوان شفیق‌ترین افراد با تجربه نسبت به خود ملاحظه کند.

۳. اصل تناسب

هماهنگی و وجود تناسب بین زن و مرد، اصل مهم دیگری در تشکیل خانواده مطلوب است که از تشبیه زن و شوهر به لباس در آیه شریفه، استفاده می‌شود. همسران برتر، کفو هم هستند و به عبارت دیگر متناسب‌ترین لباس یکدیگرند. همسران برتر آنچنان معرف شخصیت و قالب فکر و اندیشه یکدیگرند که بدون همراهی هم، احساس تنهایی و رهاشدگی می‌کنند. همسران برتر از مصادیق بارز طیبین و طیبات هستند. وجود همسران برتر بیانگر همگامی پاک‌ترین انسان‌ها، شایسته‌ترین زوجها، بایسته‌ترین یاران، همسطح‌ترین رفیقان، یک‌رنگ‌ترین دوستان و متناسب‌ترین انتخاب‌هاست. همسران برتر، هم‌زبان و همدل‌اند، در اخلاص و پاکی‌ها و در عصمت و خویشتن‌داری‌ها، هم‌سنگ و هم‌تراز یکدیگرند. همسران برتر با توازن رفتار و تناسب اخلاق، برخورداری از عزت نفس و پاک زیستن، پاسداری از حریم عصمت و طیب بودن و طیب ماندن، زیباترین جلوه‌های مساوات حقیقی زن و مرد هستند. (افروز، ۱۳۸۹: ۵۲)

روشن است که باید بین فرد و لباس او، تناسب و هماهنگی وجود داشته باشد و افراد، تناسب را به عنوان یکی از مهم‌ترین ملاک‌های گزینش لباس در نظر گیرند. این تناسب از ابعاد گوناگونی برخوردار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) تناسب جسمی و مادی

نخستین وجه تناسب که در انتخاب پوشش لحاظ می‌شود، تناسب اندازه فرد و لباس مورد

نظر است. لباسی که به طور قابل ملاحظه‌ای تنگ یا گشاد باشد، به جای تأمین آرامش، به تشویش و نگرانی دامن می‌زند. بر این اساس، در انتخاب همسر نیز تناسب جسمی لحاظ می‌شود تا هم آرامش همسران تأمین شده و هم خانواده جدید از گزند تحقیر و تمسخر اجتماعی که خود از عوامل تزلزل خانواده محسوب می‌شود، در امان بماند. از این روی، علاوه بر رعایت کفو فقهی، کفویت و تناسب در قد، جسم، زیبایی‌های ظاهری، همسنگ بودن در جهت مالی و اقتصادی و... زمینه استحکام پیمان ازدواج را افزون‌تر می‌سازند.

ب) تناسب سنی

هر فردی تمایل دارد لباس خود را با توجه به اقتضائات زمانی، انتخاب کند. به طور معمول، افراد لباسی را که متعلق به روزگار گذشته است، انتخاب نمی‌کنند و آن را با شرایط فعلی خود ناهماهنگ می‌دانند. لذا باید موضوع تناسب سنی، مورد توجه فرد داوطلب ازدواج قرار گیرد تا بدین وسیله زمینه آرامش همسران که هدف اصلی ازدواج است، فراهم گردد؛ چراکه نیازهای افراد در سنین مختلف متفاوت است. مثلاً نیازهای سنین ۲۰ سالگی با نیازهای سنین ۷۰ سالگی بسیار متفاوت است. اگر قرابت سنی زوجین مورد توجه قرار نگیرد، ممکن است همسران نتوانند درک مناسبی از همدیگر داشته و نیازهای طرف مقابل را بفهمند و برطرف نمایند.

ج) تناسب اعتقادی و اخلاقی

کاربرد لباس در مورد همسران اقتضا دارد که تناسب و کفویت هنگام ازدواج مورد اهتمام باشد؛ زیرا آدمی به نوع لباس و رنگ، جنس، اندازه و دوخت آن دقت نظر دارد تا آنچه متناسب با اندام او و برازنده است، برگزیند. (ملکوتی خواه، ۱۳۹۵: ۳۱) به عبارتی دیگر تناسب فرهنگی زوجین از امور زمینه‌ساز برای استحکام پیمان زوجیت است. پس هر فرد برای تهیه لباس، تناسب لباس مورد نظر با اعتقادات و ارزش‌های اخلاقی خویش را مد نظر قرار می‌دهد. به طوری که لباس هر فرد نمایان‌گر نوع بینش، طرز تفکر و خصوصیات اخلاقی او محسوب می‌شود. (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۶۹) مثلاً فردی که از خانواده‌ای مقید به آداب و رسوم اسلامی است، نباید با فرد بی‌تقیّد به احکام شرعی ازدواج کند؛ و گرنه زمینه جدی اختلاف در چنین خانواده‌ای وجود دارد و ممکن است هر روز چندین مرتبه، بحث و نزاع و کشمکش پیش آید. از

سوی دیگر، نوع پوشش هر فرد، تأثیرات متفاوت دینی و اخلاقی را در او رقم می‌زند. در انتخاب شریک زندگی نیز که در طول عمر غالباً یکبار اتفاق می‌افتد، رعایت همگرایی‌ها و تناسب‌ها ضرورت دارد تا نقش دوسویه «هم‌پوشانی روحی - روانی» به خوبی استیفا و ایفا گردد. از این رو، قرآن کریم بهترین ازدواج را وصلت پاکان و متقیان با یکدیگر می‌داند: «الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ؛ زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند» (نور/۲۶).

بر این اساس، مهم‌ترین عامل پیوند پایدار و ازدواج موفق و زندگی آرام، همسویی بینش‌ها و باورهای دینی و پای‌بندی عملی زوجین به ارزش‌ها و فرایض شرعی است. بر همین اساس، مردان و زنان خداپاور و پاک‌اندیش، در آرزوی داشتن همسری مؤمن و نیک سیرت و عامل به ارزش‌های قرآنی، هستند. همان‌گونه که وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از ازدواج امام علی و فاطمه زهرا (علیهما السلام)، از امیر مومنان سوال می‌کند همسرت را چگونه یافتی، حضرت علی (ع) پاسخ می‌دهد: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَي طَاعَةِ اللَّهِ؛ بهترین یاور برای بندگی خداست» (مازندرانی، ۱۳۷۹ ق، ۳/۳۴۵).

بنابراین، تناسب اعتقادی، مهم‌ترین تناسبی است که باید برای تشکیل خانواده مدنظر قرار داد. رسول خدا (ص) در حدیث بسیار ارزشمندی، جویر را که فرد تازه مسلمان و به لحاظ دینی، بسیار متدین ولی از لحاظ پایگاه اجتماعی اقتصادی، ضعیف بود، به خواستگاری دختر زیاد بن لبید که شریف‌ترین مرد قبیله بنی بیاضه بود فرستاد. زیاد که از این پیشنهاد متعجب شده بود، به حضور رسول خدا (ص) رسید و عذر خود را در عدم قبول این درخواست این‌گونه بیان کرد: ما تنها با افراد هم‌شان خود از انصار ازدواج می‌کنیم. آنگاه رسول خدا (ص) فرمود: «یا زیاد! جُوَيْرٌ مُؤْمِنٌ وَ الْمُؤْمِنَةُ وَ الْمُؤْمِنَةُ وَ الْمُؤْمِنَةُ كُفُوٌ لِلْمُسْلِمَةِ فَزَوْجُهُ يَا زَيْدًا وَ لَا تَزَعَبْ عَنْهُ؛ ای زیاد! جویر مؤمن است و مرد مؤمن همتای زن مؤمنه و مرد مسلمان همتای زن مسلمان است. پس دختری را به ازدواج او درآور و از او رو برمگردان» (وافی، ۱۴۳۰: ۲۱/۲۵۳).

۴. اصل دقت

دقت در انتخاب لباس از اصول مهمی است که هر فرد برای خرید لباس در نظر می‌گیرد. مسلماً هر شخصی بدون مقدمه وارد فروشگاه لباس نمی‌شود، بلکه نخست نیاز خود به لباس را مورد توجه قرار داده و بر اساس آن، نوع لباس و میزان هزینه را در نظر می‌گیرد. پس از آن که

برای خود مشخص کرد چگونه لباسی را مد نظر دارد، نوع فروشگاه‌هایی که عادتاً این گونه لباس را عرضه می‌کنند، شناسایی کرده و برای خرید به آنها رجوع می‌کند.

از آنجا که انتخاب همسر، انتخاب لباس دائمی است و از حساسیتی به مراتب بیشتر برخوردار است، فرد داوطلب ازدواج باید در آغاز نیاز خود به ازدواج را احراز کند. در مرحله بعد لازم است معیارهای همسر شایسته برای خود را مورد توجه و دقت نظر قرار دهد و بر اساس عقل و منطق، مشخصات همسر خود را در دویخش ویژگی‌های ضروری و خصوصیات ترجیحی، تعیین کند. پس از آن نوبت به این می‌رسد که مواردی را که وجود ملاکها در آنها محتمل است، شناسایی کرده و سپس اقدام به خواستگاری رسمی بنماید.

دوم: نکات تربیتی، اخلاقی در ارتباط زوجین

از دیدگاه مفسران و اندیشمندان، عبارت (هنّ لباس لکم و ائتم لباس لهنّ) دارای نکات تربیتی و اخلاقی بسیاری است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. آرامش بخشی متقابل

بسیاری از مفسران برآنند این تمثیل اشاره دارد همان طور که پوشش، اضطراب و نگرانی را از انسان برهنه می‌زداید و به او آرامش می‌بخشد، همسران نیز موجب اطمینان خاطر و آرامش یکدیگرند. چنان که آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱) دلالت دارد بر اینکه آفرینش همسر برای دستیابی به سکونت و آرامش است. (طوسی، بی تا: ۱۳۳/۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲۲۸/۱؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۱۶/۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۲۱/۱) منظور از آرامش، هم از نظر جسمی است و هم از نظر روحی؛ هم از جنبه فردی است و هم اجتماعی است. بیماری‌هایی که به خاطر ترك ازدواج برای جسم انسان پیش می‌آید، قابل انکار نیست. افراد مجرد، از نظر اجتماعی کمتر احساس مسئولیت می‌کنند؛ اما وقتی پا به عرصه زندگی مشترک و خانوادگی می‌گذارند، شخصیت تازه‌ای در خود می‌یابند و احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و این، همان آرامش در سایه ازدواج است.

۲. زینت‌گری و آراستگی

زن و مرد، زینت یکدیگر و مایه مباهات و افتخار همدیگر هستند؛ چنانکه لباس نیز زینت

است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹/۴۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۱/۶۵۰؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۱/۲۹۳) البته این افتخار و احساس روانی آن، بسیار اهمیت دارد. یکی از ویژگی‌های لباس آن است که مایه زینت و جمال آدمی است، همان گونه که برهنگی موجب زشتی و شرمساری او است. پس فرد مجرد همانند انسان برهنه است. بنابراین باید همسران به فضایل انسانی و اخلاق نیک و آداب پسندیده، آراسته باشند تا برای یکدیگر زینت و مایه مباهات به شمار روند و بدیهی است همسر منحرف، بد رفتار و آلوده، مایه سرافکندگی و رسوایی است. به همین جهت تمثیل آیه اشاره دارد همان گونه که لباس باعث آراستن انسان است و به وی زینت می‌بخشد، زن و شوهر نیز مایه زینت و جمال یکدیگرند. (طیب، ۱۳۷۸: ۳۰۵؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۴۰؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۵/۳۳۷)

۳. همزیستی محبت‌آمیز و معاشرت نیکو

در تمثیل این آیه، همان گونه که لباس به تن ضمیمه و متصل می‌گردد، پیوند ازدواج نیز با همزیستی، معاشرت، اختلاط و ارتباط شدید و تنگاتنگ همسران توأم است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱/۱۲۶؛ مراغی، بی‌تا: ۲/۷۷)

به طور کلی یکی از عوامل مهم برای همزیستی مسالمت‌آمیز و آرامش در زندگی، حفظ حرمت یکدیگر است که در زندگی زناشویی خودش را بیشتر نشان می‌دهد. در ظاهر، لباس بیانگر شخصیت انسان است و مردم در برخوردهای اولیه خود، نوع لباس پوشیدن دیگران را مد نظر قرار می‌دهند و مطابق آن با دیگران رفتار می‌کنند و احترام مخاطب را براساس نوع لباس وی تعیین می‌کنند. از اینجاست که تشبیه همسران به لباس می‌تواند به این مطلب اشاره کند که باید همسران چه در تنهایی و چه در جمع، احترام همدیگر را حفظ کنند؛ زیرا احترام محبت و نزدیکی بین زوجین را به دنبال می‌آورد و برعکس، عدم رعایت احترام بین زوجین به ویژه در برابر دیگران، پیامدهای منفی برای زندگی مشترک به دنبال دارد. (افروز، ۱۳۸۹: ۵۵) لذا این تمثیل به چگونگی معاشرت و همزیستی همسران نیز اشاره دارد؛ زیرا انسان لباس را از شئون خود به شمار می‌آورد و نسبت به آن برخورد شایسته و عنایت کریمانه دارد. به گونه‌ای که بی‌حرمتی به لباس را توهین به خود تلقی می‌کند. معاشرت با همسر، نیز باید نیکو و پسندیده و همزیستی آنها محبت‌آمیز باشد و از این رو، تمثیل یادشده، همسران را به معاشرت نیکو و ملامطت دوسویه و توجه شایسته به زندگی مشترک، تشویق و ترغیب می‌نماید. (موسوی

سبزواری، ۱۴۰۹: ۸۵/۳) و چنانچه انسان عادی، به صورت عمدی لباس خود را کثیف و آلوده نمی‌کند، همسران نیز نباید همدیگر را از لحاظ ظاهری و باطنی و اجتماعی، آلوده و و چرکین نفرت آمیز نمایند.

۴. پیوند و اتحاد بین همسران

بخش‌های مختلف لباس، متناسب با بدن و هماهنگ با اندام‌ها است. لباس بدون هیچ فاصله و واسطه‌ای، به بدن ملصق و چسبیده شده و به نوعی با آن متحد می‌گردد. کاربرد رابطه تن و تن‌پوش نیز در مورد همسران، تصویرگر نزدیک‌ترین، هماهنگ‌ترین، صمیمی‌ترین و محرمانه‌ترین رابطه هاست و مفاد چنین تمثیلی از همزیستی مسالمت‌آمیز و معاشرت پسندیده، بسیار فراتر رفته، نوعی انسجام و همگرایی و اتحاد و یگانگی بین همسران را در عرصه‌های مختلف زندگی مشترک می‌رساند، به گونه‌ای که در بین روابط انسانی، پیوند ازدواج و رابطه همسری، بی‌بدیل می‌نماید. از این رو گفته شده این تمثیل اشاره دارد به اینکه ارتباط زوجیت یک نوع وحدت و یگانگی بین همسران تولید می‌نماید. (امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۲۲۳/۲) همان طور که در آیه «و کَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنُ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛ و چگونه آن را پس می‌گیرید در حالی که [با آمیزش جسمی، تماس روحی و معاشرت] به یکدیگر رسیده‌اید، و آنان از شما [به وسیله قرارداد ازدواج] پیمانی محکم گرفته‌اند، تعبیر به «وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ» از زیباترین بیان‌های کنایی در مورد مسائل جنسی است و بر اتصال جسمی و روحی دو همسر و هم‌گونی شخصیت آنها در پرتو ازدواج تأکید دارد. به گونه‌ای که هر تعدی و ستمی بر همسر، در حقیقت، تعدی و ستم بر خویش به شمار می‌آید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵۸/۴) جنبه اخلاقی و تربیتی این شاخصه بنیادین اقتضاء دارد زوجین ضمن اجتناب از همه عوامل همسرگریزی و همسرستیزی، نهایت تلاش خود را برای تقویت تفاهم و همگرایی و اتحاد و انسجام در عرصه حیات مشترک، به کار گیرند و زمینه را برای دخالت بیگانه و ایجاد فاصله، منتفی سازند.

۵- جلوگیری از آلودگی و گناه

برخی مفسران، یکی از وجوه شباهت همسران به لباس را جلوگیری از آلودگی و گناه دانسته‌اند. (مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۵۲/۲) لباس، مانع از رسیدن آسیب به انسان است. ازدواج، هر

چند اطفای غریزه را به همراه دارد؛ ولی صبغه ملکوتی آن، صیانت از گناه و حراست از نگاه آلوده است. روایت حضرت رسول اکرم (ص) «من تزوج فقد أحرز نصف دینه» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۹۶/۱) ناظر به همین نکته است. زن با انتخاب شوهر و مرد با انتخاب همسر، بهانه‌ای برای آسیب‌پذیری ندارد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۱۲: ۵۱/۳) مهم‌ترین بهره‌ای که از ازدواج، نصیب همسران می‌شود، صیانت گوهر دین از غارت ابلیس به عنوان بدترین دشمن بیرونی و چپاول نفس و دشمن درونی انسان است.

همسران هوشیار و بیداردل، حساس و مسئولیت‌پذیر نیز با رفتار صمیمی و محبت آمیز، منش توأم با عطوفت و خوشرویی، تلاش مستمر برای حسن تأمین و ارضای مطلوب نیازهای روانی، کشش‌های فطری و تمایلات نفسانی، همراه و شریک زندگی خود را از محرک‌های آسیب‌زای روانی، وسوسه‌های ویرانگر شیطان، جاذبه‌های رفتاری و کلام نامحرمان و کژروی‌های دوستان، محافظت می‌کنند؛ زیرا در بسیاری از مواقع، سردی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها، کشاکش‌ها و پرخاشگری‌ها، نامالایمات و تند‌ها و گاه، قهرها و جدایی‌ها در بین زن‌ها و شوهرها، ناشی از آن است که همسران نتوانسته‌اند به گونه‌ای که انتظار می‌رود، پاسخگوی نیازهای روانی و تمایلات نفسانی یکدیگر باشند و مصونیت روانی لازم را ایجاد کنند و به دلیل همین ناکامی‌ها که به ظاهر، تبلور بیرونی چندانی ندارد، گاهی آسیب‌پذیری‌های نفسانی یکی از زوجین و یا هر دوی آنها، دیده می‌شود. به همین دلیل، زن و شوهر باید مطلوب‌ترین لباس و مقاوم‌ترین و نفوذناپذیرترین پوشش روانی، نفسانی و حمایتی یکدیگر باشند. به عبارت دیگر همسران برتر آنانی هستند که باتوجه به نیازهای روانی و تمایلات طبیعی و نفسانی یکدیگر و ارضای مطلوب و شایسته آنها، زمینه سکینه خاطر و آرامش روانی را در یکدیگر فراهم می‌کنند.

۶. رازداری و عیب‌پوشی

برخی از مفسران، وجه تشابه همسران به لباس را عیب‌پوشی و رازداری دانسته‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹/۴۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۵۰/۱؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۹۳/۱) همان‌گونه که لباس سراسر بدن را می‌پوشاند و تمام عیوب و اسرار را حفظ می‌کند، همسران وظیفه دارند اسرار، آبرو و شخصیت یکدیگر را حفظ کنند و از بازگویی اختلاف‌ها، مشکلات خانوادگی و هر آنچه جایگاه نهاد خانواده را مخدوش می‌سازد و چه بسا زمینه دخالت بیجا در زندگی دیگران را فراهم آورد، خودداری ورزند. (ابوزهره، ۱۳۷۹: ۱۹۸)

لباس، پوشاننده عیوب و رازدار انسان است. زن و شوهر نیز همگام یکدیگر در طریق رشد و رستگاری، آگاه به آشکار و نهان یکدیگر و راهیابان به خلوت درون و اسرار همدیگر، با عزمی استوار و اراده‌ای خلل ناپذیر، با صبوری و متانت و در شرایط و موقعیت‌های گوناگون در غم و شادی، سلامت و بیماری، آرامش و عصبانیت، فقر و غنا و... کلیدداران امین و نگهبان سرّ و آبروی فردی و اجتماعی یکدیگر خواهند بود؛ زیرا عیب‌پوشی و رازداری، از صفات خداوندی و از برجسته‌ترین ویژگی‌های انسان‌های با تقوا و رشدیافته است. از این رو، عیب‌جویی، غیبت و بدگویی، تمسخر و تحقیر و افشای اسرار مؤمنان به ویژه همسران، از مذموم‌ترین و زشت‌ترین اعمال است. (افروز، ۱۳۸۹، ۴۷)

۷. خلوت‌گزینی در روابط زناشویی

برخی از مفسران، کاربرد لباس در مورد همسران را به خاطر همین آموزه اخلاقی و تربیتی می‌دانند. (طبری، ۱۴۱۲: ۹۵/۲) مدلول مطابقی «دخلم بهن» (نساء/۲۳) رفتن با همسر به مکان خلوت و پوشیده است، نیز تعبیری بسیار مؤدبانه و کنایی از ارتباط زناشویی در خلوت است. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۴۸/۱) کاربرد لباس برای همسران با توجه به جمله قبلش که رابطه با همسر را در شب‌های ماه رمضان تجویز می‌کند، از لطافت بیشتری برخوردار می‌شود؛ زیرا انسان با پوشیدن لباس، بدن و اندام‌های خود را از دیگران می‌پوشاند، اما لباس از بدن و اندام‌ها پوشیده نیست، همسران نیز این گونه‌اند که یکدیگر را از رفث و تماس جنسی با بیگانه حفظ می‌کنند، اما در خلوت خودشان رفث و تماس را به دور از انظار دیگران تأمین کنند تا حریم‌ها و حرمت‌ها در خانواده و جامعه مخدوش نگردد. (ملکوتی خواه، ۱۳۹۵: ۳۷)

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با هدف تحلیل جنبه‌های لفظی، معنوی و تربیتی تعبیر «هنّ لباس لکم و انتم لباس لهن» به نتایج زیر دست یافت:

۱- از جنبه لفظی، مفسران در این تعبیر تشبیه زن و شوهر به لباس یکدیگر، استعاره از شدت اتصال زوجین به یکدیگر، ایجاز با بیان معانی بلند در قالب الفاظ کوتاه و آرایه عکس به دلیل قرینه بودن ضمائر مذکر و مؤنث در آیه را استفاده کرده‌اند.

۲- از جنبه معنوی، از آنجا که همسران به لباس تشبیه شده‌اند، می‌توان از این تعبیر، رهنمودهایی در اصول انتخاب همسر همچون توجه به نیاز طبیعی انسان در مقوله ازدواج، اصل اختیار و آزادی انسان در انتخاب همسر، لزوم رعایت تناسب جسمی، سنی، اعتقادی و اخلاقی بین زوجین و لزوم دقت در انتخاب شریک زندگی را برداشت کرد. علاوه بر این رهنمودها، از جنبه تربیتی و اخلاقی، این تعبیر بر آرامش بخشی متقابل، زینت‌گری و آراستگی، همزیستی محبت آمیز و معاشرت نیکو، پیوند و اتحاد بین همسران، جلوگیری از آلودگی و گناه، رازداری و عیب‌پوشی و خلوت‌گزینی در روابط زناشویی دلالت دارد.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد طاهر. التحرير و التنوير. بی‌جا: بی‌تا.
۲. ابن فارس، احمد بن زکریا. معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف. البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۵. ابوزهره، محمد و محمود ذیحی. معجزه بزرگ پژوهشی در علوم قرآنی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹ ش.
۶. افروز، غلامعلی. روانشناسی خانواده همسران برتر. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۹.
۷. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد. الباب التأویل فی معانی التنزیل. بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۸. بغوی، حسین بن مسعود. معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث

العربی، ۱۶۲۰ ق.

۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر. أنوار التنزیل و أسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله. تسنیم. قم: اسراء، ۱۳۸۵ ش.

۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.

۱۲. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.

۱۳. رازی، فخرالدین محمد بن عمر. مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۱۴. _____ . نهاية الایجاز. به کوشش بکری امین. بیروت: قرآن کریم، ۱۹۸۵ م.

۱۵. رضا، محمدرشید. تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ ق.

۱۶. زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.

۱۷. سلطان محمدی، فاطمه. «باز خوانی اصول و مبانی لازم در تحکیم بنیان خانواده با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی»، در کتاب اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، ج ۲. تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۱ ش.

۱۸. سیوطی، جلال الدین. الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۲۱ ق.

۱۹. شبر، سید عبدالله. الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین. کویت: مکتبه الألفین، ۱۴۱۲ ق.

۲۰. صادقی تهرانی، محمد. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.

۲۱. صافی، محمود. الجدول فی اعراب القرآن. دمشق و بیروت: دار الرشید و مؤسسه

الإيمان، ۱۴۱۸ ق.

۲۲. طالقانی، محمود. پرتوی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.

۲۳. طاهرخانی، جواد. بلاغت و فواصل قرآن. تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.

۲۴. طباطبایی، سیدمحمد حسین. المیزان في تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۲۵. طبرسی، فضل بن حسن. جوامع الجامع. تهران و قم: دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.

۲۶. _____ . مجمع البيان لعلوم القرآن. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۷.

۲۷. طبری، محمد بن جریر. جامع البيان في تفسير القرآن. بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.

۲۸. طوسی، محمد بن حسن. التبيان في تفسير القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۲۹. _____ . تهذيب الاحكام في شرح المقنعه. تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۷۶.

۳۰. طیب، سید عبد الحسین. اطیب البیان في تفسير القرآن. تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.

۳۱. عاملی، علی بن حسین. الوجيز في تفسير القرآن العزيز. قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق.

۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العين. قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.

۳۳. فضل الله، سید محمد حسین. تفسير من وحي القرآن. بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.

۳۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. تفسير الصافي. تهران: صدر، ۱۴۴۱ ق.

۳۵. _____ . الوافي. اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنين علي (ع) العامة، ۱۴۰۶ ق.

۳۶. قرائتی، محسن. تفسير نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.

۳۷. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

۳۸. کاشفی، حسین. بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. به کوشش جلال الدین کزازی. تهران: بی‌نا، ۱۳۶۹.

۳۹. کاشانی، ملافتح الله. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. تهران: کتابفروشی علمی، ۱۳۳۶.

۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.

۴۱. گنابادی، سلطان محمد. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة. بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۸ ق.

۴۲. مازندرانی، محمد بن علی بن شهرآشوب. مناقب آل ابی طالب. قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.

۴۳. مراغی، احمد بن مصطفی. تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۴۴. مصطفوی، حسن. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۴۵. مصطفوی، جواد. بهشت خانواده. قم: دارالفکر، ۱۳۹۸.

۴۶. مطلوب، احمد. معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها. بیروت: مکتبه لبنان، ۱۴۱۴ ق.

۴۷. معرفت، محمدهادی. التمهید فی علوم القرآن. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.

۴۸. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۶.

۴۹. ملکوتی خواه، اسماعیل. «شاخصه‌های هم‌پوشانی همسران در پرتو آیه ۱۸۷ بقره»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، ۱۳۹۵.

۵۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر. تفسیر راهنما. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.

۵۱. واحدی، علی بن احمد. الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۵ ق.